

معتقد به نظام و انقلاب و متعهد در برابر جریان اصلاح طلب درون نظام، اقدامی صحیح بود؟
 منازعات و اختلافات میان جناحها و گروههای سیاسی امری درون خانوادگی هستند.
 آنان در درون واحد ملی و در زیر سقف مصالح نظام به رقابت می پردازند. بردن اختلافات،
 داوری و طرح آن در محضر بیگانگان امر پذیرفته شده ای نیست، بنابراین شرکت در نشست
 برلین با چنین هدفی حداقل از افراد منتسب به جریان اصلاح طلبی به مفهوم و در گستره ای که
 آقای خاتمی آن را نمایندگی می کند، انتظار نمی رود.

می توان هدف دیگری نیز برای این نشست متصور شد و آن این که محافل خارجی
 علاقه مند به تحولات کشور برای کسب آگاهی از ماهیت حرکت اصلاح طلبی ایران از برخی
 افراد مطلع و صاحب نظر با گرایشهای مختلف در چنین نشستهایی دعوت کنند. به گمان ما این
 فرض نیز ضرورت حضور در نشست برلین را توجیه نمی کند. زیرا فضای سیاسی داخل
 کشور به اندازه کافی باز هست که آنان از طریق پیگیری تحولات و بررسی رسانه های کشور
 و یا اعزام محقق، پژوهشگر و خبرنگار از محتوا و مضمون این حرکت مطلع شوند.

فرض سومی نیز وجود دارد و آن ضرورت ارتباط با ایرانیان مقیم خارج کشور، به عنوان
 شهروندان ایرانی است. چنین فرضی البته موجه می نماید؛ چرا که ایرانیان مقیم کشور
 شهروندان جمهوری اسلامی به شمار می آیند و حقوقی بر گردن نظام دارند و نظام نیز در برابر
 آنان متعهد است. آنان جز اندکی، افرادی دوستدار ملت و کشور خود هستند و علی رغم
 ملاحظات و انتقاداتی که ممکن است نسبت به روندها و تصمیمات داشته باشند، دل در گرو
 سرفرازی ملت و کشور خود دارند. اما برای ایجاد ارتباط با ایرانیان خارج کشور نیازی به آن
 نیست که یک مرجع خارجی نظیر حزب سبزهای آلمان دست به استکار بزنند. نمایندگان
 سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها و یا نهادها و مراکز مورد اعتماد، می توانند
 عهده دار چنین نشستهایی باشند.

حضور در عرصه ای که نه نیات بانیان آن دقیقاً روشن است و نه اهداف آن و نه حوادث و
 رخدادها در آن قابل پیش بینی است و نه کنترل و نظارت اطمینان بخشی از سوی ما بر چند و
 چون آن وجود دارد، چندان عاقلانه به نظر نمی رسد. وقایع و حوادثی که در این نشست رخ
 داد، صحت این نظر را ثابت می کند.

هر گونه ارتباطی با ایرانیان خارج از کشور، لزوماً باید منحصر به کسانی باشد که خود را
 متعهد به کشور می بینند و در برابر ملتی که طی ۲۰ سال گذشته و در سخت ترین شرایط جنگ
 تحمیلی و دیگر مشکلات برای سربلندی و عزت و حفظ کبان خود قهرمانانه پایداری کردند،
 سر تعظیم فرو می آورند و وابستگی به این ملت را افتخار می کنند، طبعی است که ما این اقدام

را از زاویه یک اقدام خطا و نادرست از جانب شرکت‌کنندگان در این نشست، ارزیابی می‌کنیم.

۲. مباحث مطرح‌شده در نشست برلین

شرکت‌کنندگان در این مراسم از طیفها و جریانهای فکری مختلف انتخاب شده بودند. نمایندگان جریان روشنفکری دینی، جریان ملی-مذهبی و جریان روشنفکری سکولار، دعوت‌شدگان به این نشست را تشکیل می‌دادند. آنان هریک از منظر مورد قبول خویش به بررسی روند اصلاحات در ایران و چشم‌انداز آن پرداختند و مطالب و دیدگاههایی را که بارها در داخل کشور نیز مطرح کرده بودند، البته اندکی روشن‌تر بازگو نمودند.

از این نظر در نشست برلین شاهد اعلام موضع جدید و سخنی ناگفته و بی‌سابقه نبودیم. در این نشست بنابراین نبود و توقع هم نمی‌رفت که روشنفکران سکولار از موضع روشنفکری دینی و اصلاحات و همدلی با آن بپردازند. نمایندگان جریان ملی-مذهبی نیز در این نشست بار دیگر بر مرزبندیهای ایدئولوژیک و سیاسی خود به عنوان اپوزیسیون خارج حاکمیت تأکید کردند.

اگر شرایط عموم و فضای آلوده کنونی نبود و بیم آن نمی‌رفت که انتقاد از برخی مواضع و همدلیهای ایشان با مخالفان خارج‌نشین توجیهی به دست افراطیون داخلی دهد، البته به نقد آن نیز می‌پرداختیم؛ اما در شرایط موجود چنین کاری را شرط جوانمردی نمی‌دانیم. لذا فعلاً از این مهم درمی‌گذریم و آن را به فرصتی دیگر و فضایی سالم‌تر وامی‌گذاریم.

در این میان، آنچه در شوی تلویزیونی داخل کشور از این سمینار عمده‌اً مغفول ماند، مواضع متین جریان روشنفکری دینی در دفاع از روند اصلاحات در چارچوب نظام و قانون اساسی بود. آنان در نقد ادعای روشنفکران سکولار مبنی بر تفکیک ایران از نظام جمهوری اسلامی، بر تفکیک‌ناپذیری این دو سخن گفتند و بر ضرورت حفظ نظام به عنوان ساختاری که می‌تواند حافظ کشور و ملت باشد، تأکید کردند و صراحتاً اعلام نمودند، هدف ایشان از اصلاحات، حفظ توأمان نظام و کشور است. آنان همچنین بر تاریخ پیوند خود با نظام و عملکرد خود در دهه اول انقلاب در رویارویی با جریانهای ضد انقلاب تأکید کردند و این سابقه را برای خود افتخاری بزرگ دانستند و به صراحت گفتند، تلاش ایشان برای پیشبرد توسعه سیاسی به معنای توبه از گذشته نیست، بلکه برعکس، به گذشته خویش افتخار می‌کنند. لذا ما وظیفه خود می‌دانیم، علی‌رغم پاره‌ای اختلاف نظرها و مرزبندیهای فکری-سیاسی میان خود و برخی از آنان، به خاطر مواضع صریح و آشکاری که در این نشست اتخاذ کردند، تقدیر و تشکر کنیم.

سخن که بدین جا رسید، ناگزیر باید اندکی نیز از اقدام سیمای جمهوری اسلامی ایران در اطلاع‌رسانی راجع به این نشست یاد کنیم.

آنچه تحت عنوان فیلم نشست برلین در چند نوبت از سیمای جمهوری ایران پخش شد و تبلیغات منفی سنگینی که پس از آن زینت‌بخش برنامه‌های تلویزیون گردید، اقدامی بود که نه موازین شرعی و ارزشهای دینی، بلکه حداقل پایبندی به اصول انسانی در آن رعایت نشده بود. جمع‌آوری قطعات گزینش‌شده از مجموعه جلسات ۱۵ ساعته این نشست و فراهم آوردن آن در نیم ساعت، آن هم با مونتاز صحنه‌های مختلف و نامرتبط با یکدیگر، هر نامی داشته باشد، واژه اطلاع‌رسانی را نمی‌توان بر آن اطلاق کرد.

نمایش با آب و تاب هرزگیهای بدکاره‌ها و ضد انقلابیون خسارچ کشور در یکی از جلسات این نشست که از قضا مدعوین ایرانی در اعتراض به آن، جلسه را ترک کرده بودند و القای این تصور کذب که این هرزگیها با حضور تأییدآمیز آنان صورت گرفته، هنری است که هیچ نشانی از ارزش‌مداری و دینداری در آن نمی‌توان یافت.

اگر صدا و سیما را رسانه‌ای در خدمت افراطی‌ترین بخشهای موجود در عرصه سیاست بدانیم، البته باید به مسئولان آن به‌خاطر این اقدام مؤثر تبلیغاتی تبریک گفت. زیرا هرچند در آینده، جامعه از واقعیت ماجرا مطلع خواهد شد، اما در کوتاه‌مدت، توانستند فضای تبلیغاتی سنگینی علیه جریان اصلاح‌طلبی برپا کنند و زمینه‌های روانی-اجتماعی لازم را برای اجرای مراحل بعدی یک سناریوی از پیش طراحی‌شده، فراهم آورند.

اما اگر صدا و سیما را رسانه‌ای ملی و با مسئولیت اطلاع‌رسانی صحیح به جامعه و فعالیت در سطحی فراتر از منازعات سیاسی بدانیم، البته باید اقدام صدا و سیما را بسیار تأسفبار و زشت و مغایر با بدیهی‌ترین اصول اخلاقی-انسانی دانست که هیچ نسبتی با دستگاه تبلیغاتی رسمی یک نظام اسلامی و مدعی بسط و ترویج ارزشهای اخلاقی و معنوی ندارد.

در طول ۲۰ سال گذشته همواره حضور مقامات جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اروپایی برای انجام دیدارهای دیپلماتیک و یا شرکت در مراسم رسمی با اعتراضها، شعارهای ضد نظام و هرزگیهای خیابانی ضد انقلاب همراه بوده است؛ اما مسئولان صدا و سیما هرگز احساس نکرده‌اند که باید به‌عنوان اطلاع‌رسانی مؤولانه، این هرزگیها را بر صفحه تلویزیون به تصویر بکشند.

آنچه در نشست برلین رخ داد، یکی از اعتراضهای معمول از همین دست بود، با این تفاوت که مسئولان صدا و سیما برخلاف موارد مشابه گذشته و لابد از سر تکلیف شرعی،

خود را موظف به پخش این هرزگیها آن هم در ایام ماه محرم دیدند. بر مدیریت صدا و سیما که تاکنون تعهد خود را به منافع گروهی خاص بارها به اثبات رسانده است، حرجی نیست. تأسف دردمندانه از کسانی است که در کسوت عالم دینی نمایش رقص زنان هرزه و صحنه‌های شنیع عریان شدن مردان را در ایام سوگواری شهادت اباعبدالله الحسین (ع) را بهترین مصداق اطلاع‌رسانی و در جهت اجرای اصل «دانستن حق مردم است»، تجویز می‌کنند. ما عالم دینی نیستیم، اما خدا را شکر می‌کنیم که دین خود را از ایشان نیاموخته‌ایم و در برابر این تجویز و افتاء، زبان به استرجاع می‌گشاییم.

۳. آثار نشست برلین

هرچند بنا به دلایلی که ذکر شد، شرکت در نشست برلین را حداقل برای نمایندگان جریان روشنگر دینی و اصلاح‌طلبان درون نظام موجه نمی‌دانیم، اما معتقدیم نشست برلین آثار و نتایج مثبتی در پی داشت.

۱. اولین اثر مثبت، اثبات وجود آزادی و دموکراسی در ایران بود. در این نشست نمایندگان جریان روشنفکر سکولار، به‌صراحت از مخالفت خود با اساس نظام و مبانی دینی آن سخن گفتند. آنان با بی‌انصافی تمام، دوران ۲۰ ساله انقلاب را دوران حاکمیت اختناق و فقدان آزادی نامیدند و در این داوری ناروا و به‌دور از مروت، تا آنجا پیش رفتند که حتی چند سال اخیر را نیز استثنا نکردند. اما هر ناظر بی‌طرفی می‌توانست به این نتیجه منطقی برسد که زندگی آزادانه و این رفت و آمدهای به‌دور از هرگونه محدودیت خارج از کشور، دلیلی بر وجود آزادی در ایران و بطلان و بی‌پایگی مدعیات ایشان است.

۲. در برخی از جلسات این نشست، عناصر ضد انقلاب و منافقین چهره زشت و هرزه‌طلب خود را بروشنی به نمایش گذاردند و نشان دادند که تا چه حد اهل منطق و بحث و استدلالند.

جوانان ما که دوران سالهای آغاز انقلاب را درک کرده‌اند و اکنون پس از سالها داستان آن دوران را در قالب بررسیهای انتقادی تاریخ انقلاب در نشریات می‌خوانند، با مشاهده صحنه‌های نشست برلین، بروشنی می‌توانند میزان صحت ادعاهای برخی مدعیان را که می‌کوشند عملکرد کادر رهبری انقلاب را در روی آوردن منافقین و گروههای مارکسیستی به مبارزه مسلحانه، با واقعیت محک بزنند و دریابند که تا چه حد این جماعت به آزادی، دموکراسی، منطق و استدلال معتقدند.

۳. در نشست برلین روشنفکران سکولار بروشنی بر اختلافات و مرزبندیهای نظری

سیاسی خود با جریان روشنفکری دینی و اصلاح طلبان درون نظام تأکید کردند. آنان تصریح کردند، نسبت به اصلاحات تلقی و رویکردی متفاوت با جریان دوم خرداد دارند. نمایندگان جریان ملی-مذهبی نیز تصویری متفاوت با جریان دوم خرداد دارند. نمایندگان جریان ملی-مذهبی نیز تصویری متفاوت با آنچه اصلاح طلبان درون نظام معتقدند، از اصلاح طلبی نشان دادند و این امر آشکارا بطلان برخی ادعاهای مبنی بر انقلاب را با جریانهای مذکور نشان داد و وجود مرزهای هویتی میان آنان را به اثبات رساند. علی‌رغم این، در شرایط موجود که تمامی توان و ظرفیت جریان اصلاح طلب درون نظام باید معطوف به مبرم‌ترین امور یعنی محافظت از دستاوردهای جنبش اصلاحی دوم خرداد و مقابله با توطئه‌هایی شود که کیان این جنبش را تهدید می‌کند، به هیچ وجه گشودن جبهه جدیدی از رقابت را به این جریان توصیه نمی‌کنیم و ورود به این عرصه را به فرصتی مناسب ارجاع می‌دهیم.

صفا کاظمینی

پولین، دامنگاه اصلاح طلبان^۱

بازی خطرناک یک «جماعت»

حالا دیگر کمتر تردیدی باقی مانده است که آنچه طی سه سال اخیر بر مردم گذشته و می‌گذرد، تاوان انتخاب آنان در «دوم خرداد هفتاد و شش» است. بی‌شک فلسفه حکومتداری ایرانی، بویژه در دوران حاکمیت «پهلویها»، بر ندیدن و در شعار نیاوردن افکار عمومی بود. حکومت، شیوه‌ای پدروار بلکه گونه‌ای پدرسالارانه داشت و رابطه آن با مردم همواره از بالا به پایین بود. پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با رهبری بزرگ امام مجاهد آن، موجب گشت آن شیوه حکومت شد. رخداد دوم خرداد، تأکید مجدد بر این اندیشه حضرت امام بود که اگر هم قرار است کاری برای مردم انجام شود، باید به دست خود مردم صورت گیرد.

روزگاری اسدالله علم به محمدرضا پهلوی گفته بود برای اداره ایران دو چیز لازم است: «زور زیاد و عقل کم». اما ایران امروز که وارث تاریخ و تمدنی کهن است، گستره عقلانیت و خردورزی است. این عقل، عقل متصرف است و نقد جدی می‌کند و از امور نامقدس تقدس‌زدایی. خردورزان تابع استدلال هستند. از هر ادعاهای مطالبه دلیل می‌شود. هیچ‌کس فوق سؤال نیست. برای پریشگری بویژه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، «حد

یقینی» وجود ندارد و امکان مصون ماندن غیر معصومان از لغزش و خطا نیز پذیرفتنی نیست. برخورداری از چنین روحیه جست‌وجوگرانه‌ای، مقتضای ارتقای فرهنگ در جامعه و نشانه رشد و بالندگی ملی است. چنین ملتی نه تنها مستوجب عقوبت و اعدام «اسبیداد قانونی» بر آن نیست که شایسته سروری است و خاک پای آن توتیای دیده است.

هنگامی که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۷۶، شوی ویدئویی کارناوال عاشورا «قربة الی الله» ساخته و پرداخته شد و در مراکز و نهادهایی به گونه‌ای «سمعاً و طاعتاً» تکثیر و در جای جای ایران اسلامی توزیع شد و در مکانهای مقدس به منظور استحضار مردم به نمایش درآمد. بسیاری هشدار دادند که این «جماعت» از هیچ فعالیت غیر مشروعی که متکی به نفاق، نقار، تفتین، سعایت، سفسطه، مغلطه و اتهام باشد، برای اجرای سناریوی «بنی صدریزاسیون» در برابر خاتمی دریغ نخواهد ورزید. اما شاید بدبین‌ترین تحلیلگران نیز گمان نداشتند که به منظور برآمدن «بحران عمومی» توسط این «جماعت» مبادرت به قتل و آدم‌کشی نیز شود.

واقعه تکان‌دهنده معروف به قتل‌های زنجیره‌ای پدید آمد. گفته شد اینان دگراندیش بودند و مستوجب کیفر حاد با کارد. پیگیری این رویداد کم‌نظیر و شاید بتوان گفت بی‌نظیر، در حاکمیت تداوم یافت. دیری نیاید که ثمره این پیگیری با تهاجم وحشیانه و شبانه به خوابگاه دانشجویان مسلمان و مظلوم تلافی شد. سرمداران تمامت‌خواه و تشنه قدرت که حیانتشان در گرو ایجاد گرد و خاک و غبار در جامعه است تا دقیقاً نیز شناسایی نشوند، همچنان خط خشونت را برای براندازی «دولت مشروع و مقبول» دنبال می‌کردند.

ندای «وااسلاما، واورزشها» از برخی سخنگویان حرفه‌ای طلاب، برخی رسانه‌های همگانی و برخی نظامیان و شبه‌نظامیان سر داده شد. جالب آن‌که در جریان این «جراع» انگیزها و «موج» آفرینها، انگشت اتهام به سمت جریان اصلاح‌طلبی نشانه می‌رفت.

آنان لحظه‌ای میدان را به رقیب و انتهاده بودند. ذره‌ای نیز عقب‌نشینی نکرده بودند. بازی خطرناکی که از مدتها پیش آغاز شده بود، همچنان ادامه داشت. انتخابات شوراها باعث افزایش سطح هوشیاری آنان نشد. ایران برای انتخابات مجلس ششم آماده می‌شد. رهاورد این رویارویی بسیار تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بود. برای مردم، نتیجه انتخابات بیست و نهم بهمن دقیقاً مانند دوم خرداد، همان شب روشن بود. ترور یکی از فعالان فکور و پرتلاش جنبش اصلاح‌طلبانه ملت ایران، حلاوت شیرینی این پیروزی بزرگ انتخاباتی را در آستانه سال نو تلخ کرد. مردم عمیقاً باور داشتند همان خدایی که موجبات پیروزی خاتمی و محافظت از مردم را عهده‌دار است، سعید را نیز نگاهبان خواهد بود. اما بار دیگر جریان قلب

حقیقت آن «جماعت» به کار افتاد و ماجرای عمار یاسر پیش آمد. معاویه عمار را در صفین به شهادت رساند و گناهِش را به گردن امام علی (ع) انداخت که آن صحابی پیر را به کارزار فرستاده است!

در تمامی این مدت، آن «جماعت» چشم به لغزش و تندروی اصلاح طلبان دوخته بود تا شاید در ماجرای قتلها، کوی دانشگاه، ترور حجاریان و... خامی کنند و کار یکسره شود. آنان حیات سناریویی را برای تشیع جنازه احتمالی حجاریان و طرح مقابله با شوهای احتمالی و کذایی پیش بینی کرده بودند. اما همه این ترفندها به لطف خدا و هوشیاری مردم عقیم ماند.

غائله برلین

با پیروزی جنبش اصلاح طلبانه ملت ایران در دوم خرداد، سیل دعوتنامه برای حضور عناصر هوادار جنبش و تبیین مبانی نظری و سیاسی آن در کنفرانسها سرازیر شد. اما بیشترین معرکه، نه به خاطر حضور جمعی از رجال علمی و سیاسی کشور در سمینار «اسلام سیاسی و غرب» که با همکاری دانشگاه روتگرز آمریکا در هتل هیلتون شهر نیکوزیا در کشور قبرس صورت گرفت، بلکه در ماجرای دعوت از عباس عبدی از سوی اریک رولو پیا خاست. گویا هیأت آمریکایی با حضور باری روزن، ریچارد مورفی و یکی از سفرای آمریکا در خاورمیانه در برابر هیأتی که شمار آنان پنج برابر بود، حضور یافته بودند. یختگی عبدی مانع هرگونه سوء استفاده غوغا سالارانه شده بود. وی صرف نظر از مذاکرات انجام یافته در ایام این گفت و گو، بیشتر اوقات خود را در اتاق هتل حبس کرده بود.

از این مذاکره آشکار، چیزی عاید آن «جماعت» نشد. وقت به سرعت می گذشت. باید زودتر کاری صورت گیرد. یک فرصت طلایی در نخستین روزهای ماه محرم و پس از شکست قدرت طلبان در انتخابات مجلس ششم به دست آمد. بله، برلین، این بهترین فضا برای اجرای پروژه است.

در رژیم استبدادی پهلوی دوم، مرکزیت ساواک در کشورهای اروپایی — آلمان — تعیین شده بود. فراموش نکنیم که حیات خلوت باند سعید امامی نیز همین جا بود. وی نیز بسان سلف ناخلف خود سرتیپ علوی، بیشترین حجم اقدامات اطلاعاتی را در پوشش شرکتهای تجاری و بازرگانی در آلمان بنیان نهاده بود. یکی از مهمترین عناصر سفارت ایران در آلمان به نام «م. ر» در زمره سینه زنان رقیب خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری بود.

تدارک برپایی کنفرانس از سوی حزب سبزها، پیش از انتخابات مجلس ششم دیده شد.

حزب سبزها همان طور که از نامش پیداست، جمعیت طرفدار محیط زیست بود که در اواخر دهه هفتاد میلادی تکوین یافت. اینان در اعتراض به سیاست دولتهای اروپایی و آمریکا و همچنین مخالفت با دخالت سازمان نظامی ناتو در درگیریهای منطقه‌ای، مبادرت به تظاهرات کردند که این امر باعث محبوبیت آنان شد، چنان‌که در انتخابات محلی رأی قابل ملاحظه‌ای را به دست آوردند و چندی بعد هم مبدل به حزب شدند. مانور تبلیغی این حزب در جریان انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل، محبوبیت این تشکیلات را دوچندان نمود. فعالیت حزب سبز با ورود چهل و چهار نماینده آنان به مجلس شدت یافت و این جنب و جوش در جریان تشکیل کابینه جدید آلمان با حضور پنج وزیر سبز به اوج خود رسید.

حزب سبز پیش از تشکیل کنفرانس ایران، مبادرت به برگزاری چندین کنفرانس کرده بود که آخرین آنها کنفرانسی به منظور حمایت از کردهای ترکیه و همچنین حزب اسلامی فضیلت ترکیه در برابر نظامیان آن کشور بود. درون حزب سبز، یک فراکسیون اقلیت وجود دارد که مخالف توسعه روابط با اعراب و ایران، مخالف با حضور خارجیان در کشور آلمان، حامی به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و دارای روابط ویژه‌ای با سرکردگان سازمان منافقین است. چندی پیش مریم قجر عضدانلو — همسر سابق مهدی ابریشمچی و همسر فعلی رجوی — با حضور در جمع تشکیل بانوان سبزها به «توجیه» آنان پرداخته بود. جالب آن‌که پیش از عزیمت فیشر، وزیر امور خارجه آلمان از حزب سبز، در کنگره حزب از سوی همان «جماعت» اقلیت حزب مورد اصابت قوطی رنگ قرار گرفته بود و یکی از آن «جماعت» سبز برای برهم زدن جلسه عریان شده بود!

پروژه برلین با پشتیبانی سازمان موساد، عوامل منافقین، حزب کمونیست کارگران، متشکل از مانوئیستهای تندرو و باقیمانده‌های حزب زحمتکشان کردستان (کومله) و گروهک راه کارگر، با به صحنه آمدن عوامل سعید امامی در خارج از کشور تکمیل شد. در واقع گل بود، به سبزه هم آراسته شد. فراموش نکنیم که سعید امامی در جریان سخنرانی تاریخی خود در همدان که متن کامل آن چاپ و منتشر شد، از «دوستان نازی و نئونازی» خود سخن گفته بود!

این بار طیف وسیعی نیز دعوت شده بودند؛ نیروهای معروف به جبهه دوم خرداد که در دفاع از نظام، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و ارزشها در آن اوضاع سنگ تمام گذاشتند، چندنفری از نیروهای ملی-مذهبی که یکی به نعل و یکی به میخ می‌زدند و بالاخره دگراندیشان و دوستان وزارت خارجه هم که بخوبی برخی مدعوین را برای شرکت در کنفرانس راهنمایی کردند.

اکنون همه بازیگران در صحنه حضور دارند.

دوربینهای صدا و سیما که بخوبی صحنه‌های رقاصی منافقین و سلطنت‌طلبان در جریان رقابتهای تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی فرانسه و یا دیدار اخیر با تیم ملی فوتبال آمریکا در لس‌آنجلس و تظاهرات آن «جماعت» خارج‌نشین به‌گاه تشریف‌فرمایی رئیس‌جمهور، خاتمی در آمریکا، ایتالیا و فرانسه را فیلمبرداری کرده بود، اما حاضر به پخش آن نشده بود، این بار با نیت قرۃ‌الیه مبادرت به ضبط تصاویر و پخش فیلمی مونتازشده و مغشوش کرد. جای آن روحانی حافظ قرآن و نهج‌البلاغه که هنگام ابراز احساسات دانشجویان در مراسمی در حضور رئیس‌جمهور همراه با صلوات و کف و سوت می‌خواست کفن‌پوش به‌علامت اعتراض به خیابان آید، واقعاً خالی بود. کفن‌پوشان حرفه‌ای، این بار نه تنها مایل به کفن‌پوشی نبودند که اقدام سیما را برای آگاهی مردم از اقدامات ضد انقلابیون «واجب» شمردند.

شوی مونتازشده کنفرانس برلین که از دوربینهای «دفتر بُن» مونتاز شد، به گونه‌ای بود که گویی اینان به مجلس لاهو و لعب و کاباره دعوت شده‌اند! براستی مظلومیت اصلاح‌طلبان دیندار حاضر در کنفرانس، بیش از پیش برای مردم این مرز و بوم هویدا شد. در این قیل و قال توگویی برخی زعمای حوزه، نظامیان و سیماییان، آن چند سطر ثبت‌شده در صفحه ۲۴۸ خاطرات سیاستمدار پشت پرده صحنه‌ها را فراموش کرده بودند که چسان با مدیریت خود کشور را در سال ۱۳۶۰ از بحران گذراند. آنجا که در خاطرات ۲۴ شهریور سال ۱۳۶۰ خود، در جریان سفر به کره شمالی مرقوم فرمود: «برنامه هنری برای ما ترتیب داده بودند، هنرشان قوی بود، اما به‌خاطر دخترهای نیمه‌برهنه برای ما ناراحت‌کننده بود، عده‌ای از همراهان جلسه را ترک کردند، من هم اعتراض کردم، آنها عذر خواستند!» اما این مرتبه به‌رغم آن‌که هنر آن رقاصه و طنازی آن مرد برهنه چندان «هنر قوی» نبود و به‌رغم ترک جلسه از سوی همه شرکت‌کنندگان (و نه تنها عده‌ای) کنفرانس با «لابی» دوربینهای تلویزیونی بخوبی پوشش داده شد!

دیگر جای تعجب نیست، اگر ببینیم نخستین گزارش از ماجرای برلین که یک‌هفته‌ای است بسان پیراهن خلیفه سوم مملکت را معطل خود ساخته، توسط روزنامه به‌اصطلاح ارزشی عصر کشور داده می‌شود. آخر این روزنامه آن‌قدر وزن اجتماعی و سیاسی دارد که کلاوس زلر، سفیر آلمان، دقیقاً سه هفته پیش از انتخابات مجلس ششم — ۲۶ آبان ۱۳۷۸ — به‌دیدار مدیر مؤولش می‌رود و بنا به گزارش آن روزنامه، بعد از ظهر همان روز سیاستمدار کارکشته آلمانی می‌پذیرد که همه آنچه را رسانه‌های غربی درباره ایران گفته‌اند، صحت ندارد و این موضوع را زمانی که به تهران آمده متوجه شده است!

سخنی با مؤولان

آن روز که «فدریکو رامانته فلترو» رهبر رنسانس ایتالیا دربارهٔ آنان که فکر می‌کردند آگاهیها را صرفاً باید از منابع چاپی و مآخذ نوشته‌ای کسب کرد، اظهار داشت: «روزی فرا خواهد رسید که داشتن یک کتاب چاپی برای انسان شرم‌آور خواهد بود!» شاید خود نیز تصورش را نمی‌کرد که فن‌آوری اطلاعاتی به گونه‌ای سرسام‌آور و برق‌آسا رشد خواهد کرد.

واقعیت این است که مردم از اخبار چیزهایی بیشتر می‌خواهند. آنان اطلاعات نویی را طلب می‌کنند. آگاهی‌هایی که در مقابل شنیده‌هایشان تازه‌تر باشد و بوی کهنگی ندهد. امروز «اطلاع‌رسانی» در انحصار دولتها نیست. آگاهی به مقتضیات زمان، انسانها را از سوء ظن به محیط زندگی‌شان باز می‌دارد و نسبت به واکنشهای مناسبی که در پاسخ به پیرامونشان باید از خود بروز دهند، مطلع می‌سازد. در چنین فضایی بی‌تردید اعتماد ریشه می‌دواند و استعدادها مجال بالندگی می‌یابند. دنیای امروز، دنیای آگاهی و بهره‌وری از موقعیتهاست و نه تصمیم‌گیریهای عجولانه و نابخردانه؛ تصمیماتی از سر درایت و متکی به اطلاعات دقیق، تازه و قابل استناد. در این صورت، کمتر پشیمان و کمتر ملامت می‌شویم.

کار دستگاه اطلاعاتی تنها بررسی تصمیمات حاد حاکمیت و سنجش واکنشهای مردم با انتقال پیام دولت به ملت نیست، بلکه پیامهای مردم و بویژه «پیامهای پنهان» مردم به حکومت را نیز باید بخوبی رساند. آیا پیش از پخش فیلمی تشنج‌آفرین، صدور بیانیه و تنظیم سیاستی ویژه با دستگاه اطلاعاتی مشورت می‌شود؟ آیا وزیر اطلاعات باید چونان شهروندان عادی از چنین تصمیماتی پس از اجرا باخبر شود؟ یک وزارت اطلاعات کارا می‌تواند افکار عمومی را نسبت به تحولاتی که در پیش است، آگاه و آماده سازد.

در پی رخداد دوم خرداد، چشم بستن بر آنچه مردم از حکومت طلب می‌کنند و در راه آن می‌کوشند، جفاست. قانون‌خواهی و اصلاح‌طلبی ملت ایران، معلول آرا و نظرات چند روشنفکر نیست؛ ثمرهٔ یک قرن مبارزهٔ این ملت از مشروطه تا حال حاضر است. نمی‌توان و نباید بنا بر خلاف جهت خواست قانونی مردم ایستاد.

اگر ادارهٔ مملکت صرفاً از طریق اعمال قوهٔ قهریه باشد، نمی‌توان امیدی به توان ملت داشت. این روش حکومتداری در هزارهٔ سوم نیست. ایرانیان در درازای تاریخ خواهان امنیت و آرامش بوده‌اند. نیازی به ادارهٔ کشور توسط نظامیان نیست و اصولاً شرایط ایران اسلامی با ترکیه و پاکستان و... متفاوت است. در جهان امروز که دولتها با مخالفان مسلحشان —پیشهاد یوتین برای مذاکره با نیروهای چپن— به گفت‌وگو می‌نشینند، اگر ما با یکدیگر به بحث و شنود نپردازیم، سرنوشت ناگواری در انتظارمان خواهد بود.

برای مطالعه بیشتر

فیض‌الله عرب‌سرخی:

گزارش کنفرانس برلین دروغی بزرگ^۱چند نکته دربارهٔ جوایه‌های صدا و سیما^۲

محسن آرمین:

خویشتن‌داری اصلاح‌طلبان طرفداران آشوب را عصبانی کرده است.^۳باید در تشخیص اهداف برگزاری کنفرانس برلین دقت بیشتری صورت گیرد.^۴

جامعه روحانیت مبارز تهران

اصلاحاتی که از بیرون دیکته شود، به سود ملت ما نیست^۵ آیت‌الله مهدوی کنی

اجازه نمی‌دهیم انقلاب را از میر صحیح خود منحرف کنند. این مطلب را آیت‌الله مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز تهران در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت شهادت شهید مطهری برگزار شده بود عنوان کرد: مگر ملت ایران مرده است که سرنوشت انقلاب به دست صهیونیستها رقم زده شود! اصلاحاتی که از بیرون دیکته می‌شود و دشمنان آنرا تأیید می‌کنند، به یقین به سود ما نیست. ما هر وقت روی پای خود ایستاده‌ایم، در هر میدان سربلند، پیروز بیرون آمده‌ایم و هرگاه به دیگری تکیه کردیم سرانجامی ذلت‌بار داشتیم.

تاریخ را ورق بزنید تا اوراق زرین آنرا در پرتو استقلال و پیروی از دین و قرآن و روحانیت و دینداران مجاهد و صادق مشاهده کنید.

خدا را یاری کنید تا خدا یارتان باشد: یار مظلومان و مستضعفان باشید و هیچ‌گاه به ستمکاران متمایل نشوید که عذاب خدا شامل حالتان خواهد شد.

آیت‌الله مهدوی کنی ضمن انتقاد شدید از کسانی که قصد دارند حکومت اسلامی را زیر سؤال ببرند و به آن خدشه‌ای وارد سازند، خاطرنشان ساخت: برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی زحمات زیادی کشیده و خونهای بسیاری نثار شده است.

وی با اشاره به اظهارات آلبرایت و ابراز ناراحتی وی از بسته شدن تعدادی روزنامه در ایران گفت: ما نگران غصه خوردن آلبرایت برای بسته شدن چند روزنامه نیستیم و ایشان

۲. عصر ما، ۱۳۷۹/۱/۲۴، ص ۸.

۴. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳.

۱. مشارکت، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۶.

۳. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۲.

۵. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۱۵.

می‌تواند از غصه بمیرد، ولی اجازه نمی‌دهیم برخی روزنامه‌ها آنچه را که آمریکا می‌خواهد، بنویسند و منافع آنها را ترویج و تبلیغ کنند.

آیت‌الله مهدوی کنی با تأکید بر این‌که در حکومت اسلامی باید حریمها و خطوط قرمزی وجود داشته باشد و حفظ شود، تصریح کرد: با زیر سؤال بردن انقلاب اعتماد جوانان سلب خواهد شد. جوانها باید تکیه‌گاه فکری و معنوی داشته باشند تا از بحرانها بخوبی بگذرند، والا دچار سردرگمی و سرگردانی و احیاناً ابزار و وسیله نوعی آناشسیم و هرج و مرج خواهند شد.

وی با اشاره به کنفرانس ننگین برلین خاطرنشان ساخت: شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، دولت آقای خاتمی را زیر سؤال بردند این کنفرانس گرچه بیار خفت‌بار بود، لکن به‌عنوان یکی از الطاف الهی، ماهیت عده‌ای را افشا کرد.

وی با انتقاد از اظهار نظر عده‌ای که شرکت در کنفرانس برلین را مبتذل و بحران‌نداشته، ولی بخش آن‌را از تلویزیون مبتذل و اشاعه فحشا دانسته‌اند، ضمن رد آن به‌سوره‌های عبرت‌آموز قرآن کریم و از جمله سوره یوسف اشاره کرد و گفت: نقل فحشا مطلقاً حرام نیست و آنچه حرام است نقل فحشا به‌منظور اشاعه آن است، به‌نقل آن به‌منظور عبرت و آگاهی مردم، به‌تعبیر قرآن «یحسبون ان تشیع الفاحشه» یعنی انسان به‌منظور فساد و افساد مطلبی را نقل کند، نه به‌منظور آگاهی و نهی از منکر.

خوشحالم که آقای کروبی هم مثل من خطر تکرار مشروطیت را احساس کرده‌اند^۱

آیت‌الله مهدوی کنی، دبیر جامعه روحانیت مبارز خواستار وحدت کلیه گروههای اصولگرا برای حفظ اصول اسلام و انقلاب در برابر تهاجم دشمنان شد.

نباید درباره صحبت‌های شرعی آنچه را عقل ناقصمان اقتضا می‌کند، بیان کنیم و مسائل دینی را رد کرده و در روزنامه‌های خود به‌صراحت احکام مسلم فقهی را که حجت شرعی هم در آن است، زیر سؤال ببریم.

اگر می‌بینیم عده‌ای در کنفرانس برلین جمع می‌شوند و به‌صراحت می‌گویند، این انقلاب را، رهبری را و حتی دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی را قبول نداریم و آن‌را دوران اختناق می‌دانیم، به‌این خاطر است که ما یکدیگر و رهبری را تنها گذاشته‌ایم.

آیت‌الله مهدوی کنی با اشاره به اختلاف‌های سلیقه‌ای جامعه روحانیت و مجمع روحانیون مبارز، این اختلافات را طبیعی دانست و گفت: من و آقای کروبی با هم در زندان بوده‌ایم، با هم

مبارزه کرده‌ایم و هر دو امام، انقلاب، اسلام و تشیع را قبول داریم و هر دو نیز شاگرد امام (ره) بودیم؛ پس موردی نمی‌بینم که با آنها دعوا داشته باشیم.

در برهه‌ای از زمان به ما تهمت آمریکایی بودن را زدند و گفتند، اسلام شما آمریکایی است این در حالی است که امروز می‌بینیم کسانی که تازه آمده‌اند نه تنها آمریکایی فکر می‌کنند بلکه تلاش برای رابطه با آمریکا هم می‌کنند.

وی خطاب به حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی گفت: ما چه وقت گفتیم با آمریکا رابطه برقرار می‌کنیم؛ ولی حالا دارند این حرفها را می‌زنند.

اکنون اصول انقلاب را زیر سؤال می‌برند و اینهایی که در روزنامه‌هایشان سنگ دوم خردادی را به‌سینه می‌زنند، نه تو را قبول دارند، نه من را، بلکه اینها با این عمامه مخالفند. آقای کروبی فرد حسن نیت‌دار و خوبی است و هیچ‌گاه من علیه ایشان سخنی نگفتم‌ام اگرچه ایشان علیه ما چیزهایی گفته است. ما اصلاً معتقد به این نیستیم که هیچ اختلاف سلیقه‌ای نداشته باشیم و یا نداریم، بلکه تأکید بنده این است که وقتی تهاجم دشمن را به اصول حس کردیم، باید با هم بنشینیم و از اصول دفاع کنیم.

آیت‌الله مهدوی کنی از پخش فیلم کنفرانس برلین در صدا و سیما تقدیر کرد و گفت: وقوع این کنفرانس یک نعمت الهی بود و واقعاً خدا این نعمت را به ما داد تا مردم بفهمند عملکرد و اعتقادات این‌گونه افراد به کجا دارد کشیده می‌شود.

نقل فحشا به معنای اشاعة فحشا نیست؛ چرا که خدا هم در قرآن با اشاره به داستان یوسف و زلیخا به این قبیل مسائل منکر برای آگاهی مسلمانان پرداخته است.

وی با اشاره به خطر ادامه حملات دشمنان داخلی و خارجی به اصول اسلام گفت: یک زمانی با احساس خطری که از هجمه دشمنان کرده بودم، صحبت از خطر تکرار مشروطه کردم که برخی از آقایان به من حمله کردند، ولی می‌بینم آقای کروبی هم که دیروز به من ایراد می‌گرفت، خودش امروز بر این مطلب تأکید دارد و این احساس خطر مشترک جای خوشحالی دارد.

مجمع روحانیون مبارز

بیانیه مهم مجمع روحانیون مبارز درباره مسائل اخیر کشور^۱

شب گذشته مجمع روحانیون مبارز راجع به تحولات اخیر کشور بیانیه بسیار مهمی صادر نمود. متن کامل این بیانیه بدین شرح است:

بسمه تعالی

ملت شریف ایران

بحران‌سازی و حوادث زنجیره‌ای که هرازچندگاهی جو عمومی کشور را متشنج و آرامش جامعه را برهم می‌زند، متأسفانه اخیراً وارد مرحله جدید و حساسی شده است. این مسائل بیش از آنکه موجب نگرانی و ناامیدی از روند اصلاحات شود، باید هوشیاری و آگاهی مردم و برنامه‌ریزان اصلاحات کشور را برانگیزد تا با کسب آمادگی لازم و مقابله منطقی با توطئه‌ها، این موج سنگین ولی زودگذر نیز پشت سر گذاشته شود و حاکمیت سیاسی مردم به عنوان ارزشمندترین هدیه امام و انقلاب اسلامی و خونهای هزاران شهید به خون خفته پاس داشته شود.

مجمع روحانیون مبارز با درک مشکلات عدیده مردم و انتظارات بحق آنان در زمینه لزوم اصلاحات اجتماعی، معیشتی، فرهنگی و سیاسی، بر خود لازم می‌داند مسائلی را با مردم هوشمند و همیشه در صحنه ایران اسلامی در میان بگذارد. از این رو نکات زیر را متذکر می‌شود:

۱. امسال به یمن وجود دو عید غدیر در آغاز و انتهای آن به نام سال حضرت امیرالمؤمنین (ع) نامگذاری شده است. سالی که با اقتدای به آن اسوه کامل و تجسم عدالت و آزادی، باید هر چه بیشتر خود و جامعه را به مرام و اندیشه‌های تابناک آن حضرت نزدیک و نزدیکتر کنیم. بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) در آغاز سال نو و تأکید بر وحدت و امنیت ملی و وجوب پرهیز از هر عمل خلاف قانون و تأکیدات ریاست محترم جمهوری بر نهادینه کردن این اصول باید اساس و محور همه اقدامات فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد و موضعگیریهای اشخاص و گروهها نیز باید در این چارچوب ارزیابی شود. متأسفانه برخی تحرکات سیاسی و گفتارها و عملکردها دقیقاً در جهت عکس این رهنمودها و موجب نقض وحدت ملی و پاشیدن بذر تفاق و بدبینی بوده و از وجود سناریوی جدیدی برای بحران‌آفرینی و مأیوس کردن مردم و فضا سازی برای جبران شکستهای سیاسی خبر می‌دهد. اجرای این سناریو که با تمسک به انواع قانون شکنیها و اعمال ضد اخلاقی همراه است، متأسفانه چهره نامناسبی از حکومت دینی و مردمی فراروی جهانیان به نمایش گذاشته و آرمانهای انقلاب اسلامی را زیر سؤال برده و ضربه‌هایی به اعتقادات و باورهای مردم وارد نموده که آثار زیانبار آن چه‌بسا از گستره نسل حاضر فراتر رفته و امید مشتاقان حکومت دینی را بر باد دهد.

۲. دغدغه‌های مقام معظم رهبری در باب مطبوعات نگرانی جدی است که باید مورد

توجه همه مسؤولان امر و اصحاب مطبوعات قرار گیرد. البته وجود ناراستیها و اشتباهات و حتی انحرافات عمدی در فضای آزاد مطبوعات امری طبیعی و گریزناپذیر است. اما تغافل در این امر مهم چه بسا ضررهای جبران‌ناپذیری بر فرهنگ و تمدن یک ملت وارد آورد و اصلاح این امور نظارت مستمری را می‌طلبد. ناگفته نماند، بسیاری از نویسندگان و گردانندگان مطبوعات از نیروهای وفادار به نظام و حامی ارزشهای اسلامی‌اند و از سوابق درخشانی در انقلاب و دفاع مقدس برخوردارند و انگیزهای جز اصلاح امور ندارند و نتیجه خدمات آنان بخصوص در سه سال اخیر که آگاهی جامعه، نشاط فرهنگی، توسعه سیاسی و تحکیم پایه‌های مردم‌سالاری توأم با دینداری است، برای همگان محسوس و ملموس است اما نباید غافل بود که دشمن بیکار ننشسته و همواره در صدد نفوذ در دستگاههای حساس یک کشور از جمله مطبوعات است تا شاید بتواند با استفاده از روشهای ژورنالیستی میراث‌های را منحرف و جمعی از مردم را نسبت به آن مأیوس و دل‌برد نماید. اینجا است که باید با درایت و تدبیر این آفت از مطبوعات زدوده شود.

البته عمل دستگاه قضایی که در یک اقدام عجولانه و غیر حقوقی تعدادی از جراید را توقیف نموده است، خود جای بحث فراوان دارد. تجربه تاریخی، چه پیش از انقلاب و چه پیش از آن بارها نشان داده است که بگیر و ببند و توقیف و تعطیل هرگز مانع گسترش اندیشه و انزوای عقیده نمی‌شود. بلکه مردم را حساس‌تر و در طلب آن جدی‌تر می‌کند. امروز دستگاه قضایی ما در محکمه داورى افکار عمومی قرار گرفته است و مردم منتظرند که آیا دستگاه قضایی با تخلفات روزنامه‌های جناح خاص و تخلفات رسانه فراگیر صدا و سیما نیز با این سرعت برخورد خواهد کرد؟

۳. کنفرانس برلین که این روزها از سوی دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما به صورت بزرگترین فاجعه تاریخ انقلاب اسلامی معرفی می‌شود و با سرمایه‌گذاری کلان و استفاده از شگردهای تبلیغاتی فضای عمومی جامعه را به خود مشغول کرده و با تحریک احساسات مردم امنیت ملی را مخدوش نموده است، از ابعاد مختلف قابل بررسی است:

اولاً، اصل قبول دعوت و شرکت در کنفرانسی که اهداف برگزارکنندگان آن مشخص نبود دور از خرد دینی و احتیاط عقلی است و بویژه مرعوب شدن برخی از شرکت‌کنندگان در برابر فشار ضد انقلاب و سکوت در مقابل یاوه‌سرایی آنان نشانه خفت و مایه انزجار و نفرت ملت ایران است؛ همچنان‌که دفاع جانانه برخی دیگر از شرکت‌کنندگان از ارزشهای دینی و افتخارات ملی قابل تقدیر و تحسین است که متأسفانه در گزارشهای گزینه‌ای صدا و سیما کمترین اشاره‌ای به این بخش نشد.

ثانیاً، آگاهی از مسائل و مباحث مطرح شده در این کنفرانس حق مردم ایران است و باید رسانه‌های عمومی به درج کامل آن و موارد مشابه پردازند؛ لیکن چگونگی برخورد صدا و سیما با این ماجرا بسیار قابل تأمل و سؤال برانگیز است. چرا که به جای بخش متن کامل سخنرانیهای مدعوین اقدام به پخش گزینشی و مونتاژ شده و تصاویر مستهجن و خلاف عفت عمومی نمود. برگزاری کنفرانسهایی از این دست تازگی نداشته و همواره افرادی از داخل و خارج در آنها شرکت می‌کردند و غالباً در این گونه کنفرانسها منافقین و مارکسیستهای فراری با شیوه‌های پست و رذیلانه اقدام به برهم زدن و تعطیلی آنها داشته‌اند. ولی تاکنون صدا و سیما کمترین خبر و اطلاعی از این گونه مراسم پخش نکرده بود. جای شگفتی است که صدا و سیما و گروههای هموسوت و کف زدن چند جوان در سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران را اهانت به امامت تلقی و بیش از یک سال با استفاده از تریبونهای مختلف به محکوم کردن آن پرداختند و در حوزه علمیه قم راهپیمایی به راه انداختند، چگونه امروز در قبال نمایش رقص و پاپکوبی در ایام شهادت امام سجاد(ع) نه تنها اعتراضی نکرده، بلکه به توجیه فقهی آن پرداخته و به بهانه اطلاع رسانی شفاف اباحیگری را ترویج می‌کنند.

۴. جامعه مدرسین قم که زمانی به دلیل عضویت اساتید حوزه و یاران دیرین حضرت امام از اعتبار ویژه علمی و سیاسی برخوردار بود و خدمات شایانی را به اسلام و ملت بزرگ ایران نمود، متأسفانه در سالهای اخیر به علت برخی موضعگیریها و تندرویها در حد یک حزب سیاسی کم طرفدار جایگاه والای خود را از دست داده است. امروز جامعه مدرسین گویی جز حمایت از یک جناح سیاسی و همراهی با تشنج آفرینان، رسالت دیگری ندارد. برادرانمان در جامعه مدرسین بخوبی می‌دانند که با موضعگیریهای نسنجیده خود در مقاطع مختلف چگونه قشر عظیمی از دانشگاهیان و مردم را از خود رانده و دهها سؤال اساسی آنان را بی پاسخ گذاشته‌اند. ما به برادرانمان در تشکل سیاسی جامعه مدرسین مشفقانه توصیه می‌کنیم، اعتماد عمومی را که بزرگترین سرمایه مردمی است، سخاوتمندانه از دست ندهند و از این همه اعتبار استفاده ایزاری نکنند و برای هر موضوع ریز و درشتی مردم را به خیابانها نکشند و از حوزه علمیه چهره‌ای خشن و ضد آزادی و تحکم طلب به نسل امروز ارائه نکنند.

البته گفتنی است دهها مدرس بلند پایه و صاحب کرسی تدریس در حوزه علمیه قم به وظیفه خطیر تربیت طلاب علوم دینی و نشر معارف اهل بیت(ع) اشتغال دارند که عضو جامعه مدرسین نیستند، ولی هیچ‌گاه صدا و سیما نظرات و اندیشه‌های آنان را برای مردم منعکس نکرده و تنها به پخش اطلاعیه یک گروه سیاسی به عنوان نماد حوزه علمیه قم اقدام

می‌نماید و در ذهنیت جامعه چنین تلقی می‌شود که نظرات این تشکل سیاسی نظر همه علما و مراجع و روحانیون است.

آیا جامعه مدرسین نمی‌داند اکثر قاطع مراجع عظام و طلاب عزیز که طرفدار امام، انقلاب، نظام و رهبری هستند، از این که کلاسهای درسشان هر روز به بهانه‌ای تعطیل شود، معترضند؟ و از این که حوزه‌های علمیه که همواره مظهر استقلال، حریت و آزادمندی ملت ایران بوده‌اند، دستخوش بحرانهای سیاسی و جناحی شوند، به شدت نگرانند؟

۵. با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و تراکم هرم سنی در مقطع جوانی و نوجوانی مهمترین دغدغه مجمع روحانیون مبارز که همان دغدغه رئیس محترم جمهوری نیز هست و به همین سبب محور برنامه سوم توسعه قرار گرفته است، مسأله اشتغال جوانان و توسعه متوازن و همه‌جانبه کشور است. ولی متأسفانه دستهای مشکوک داخلی و خارجی با انواع ترفندها و بحران‌سازیها دولتمردان را مشغول امور حاشیه‌ای و حل بحرانها نموده و از پرداختن به موضوعات اساسی بازداشته‌اند. بدیهی است این گونه تشنج‌آفرینها امنیت سرمایه‌گذاری را مخدوش و تلاشهای بسیار ارزشمند دولت در تشنج‌زدایی بین‌المللی و اقبال ارزشمند جهانیان به ایران اسلامی را خنثی و مردم را از آرای خود مأیوس می‌نماید. در خاتمه از مردم فهیم حوزه‌های انتخابیه‌ای که انتخابات آنها به مرحله دوم کشیده شده است، دعوت می‌نماید با حضور پر شور و انتخاب نامزدهای مورد تأیید نیروهای دوم خرداد و حامی برنامه‌های رئیس جمهوری و با حفظ آرامش و ثبات جامعه هرگونه بهانه‌ای را از دست غوغا سالاران بگیرند، انشاء الله با تشکیل مجلسی ارزشی و انقلابی و حامی دولت گامهای اساسی در رفع مشکلات جامعه برداشته شود.

سیمای نمایش محرمات^۱

سید علی اکبر محتشمی‌پور

سیمای جمهوری اسلامی در یک اقدام غیر منتظره صحنه‌های مستهجن فیلم کنفرانس برلین را پخش کرد که موجب جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات اکثریت اشخاصی که به مشاهده آن نشستند، شد. بخصوص نسل انقلاب که برنامه‌های تلویزیون رژیم منحنط پهلوی را ندیده و در طول سالیان پس از پیروزی، هرگز چنین مناظر رکیک و مستهجنی را از سیمای جمهوری اسلامی مشاهده نکرده‌اند. به جرأت می‌توان گفت، نمایش آن صحنه‌ها از مصادیق بین محرمات کبیره است.

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱.

دریافته‌های ابتدایی از مشاهده فیلم مزبور به شرح زیر است:

۱. در آغاز به نظر می‌رسد کسانی که در این کنفرانس به عنوان ایرانیان خارج از کشور گرد آمده بودند و بی‌شرمانه و با وقاحت تمام آن صحنه‌های مستهجن (رقص نیمه‌عریان) و مناظر سخیف حیوانی (برهنگی) را پدید آوردند و به تماشا نشستند، عناصر بی‌هویت، مسخ‌شده و حامل تمام ناهنجاریهای اخلاقی فرهنگ استبداد غرب بودند که پرده‌ای از فرومایگی خود را به نمایش گذاشتند.

۲. کسانی که از ایران به کنفرانس برلین دعوت شده بودند، چند تیپ فکری و سیاسی و از نظر شخصیتی هم متفاوت بودند (نویسندگان به اصطلاح اصلاح طلب، عناصری از جریان به اصطلاح ملی-مذهبی و افرادی هم به عنوان دگراندیش).

بر اساس اطلاعاتی که از کنفرانس به دست آمده است، از طرفی بعضی از مدعوین در میز گرد سخت تحت تأثیر فضای مسموم و سنگین جلسه کذایی قرار گرفته و به علت خودباختگی و فرومایگی شخصیتی، اصول و معیارهای اولیه و بدیهی انسانی، ملی و مذهبی خود را فراموش کرده و تمام ارزشهای والا و عزت و شرف میهنی و اسلامی را که انقلاب و امام و مردم قهرمان ایران در ۲۰ سال گذشته احیا کردند، زیر پا گذاشته و به باد سخریه گرفته و برای خوشامد مزدوران خارج نشین طبق مذاق و سلیقه آنان سخن گفتند. از همه زشت‌تر و نامأنوس‌تر حضور یوسفی اشکوری، عنصر به اصطلاح ملی و مذهبی در زمره افراد بی‌هویت می‌باشد. از طرف دیگر اطلاعات رسیده حاکی از دفاع جانانه و غرورآفرین برخی افراد اصلاح طلب از جمله آقای علوی تبار و خانم کدیور و مشخصاً آقای جلالی پور از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و دستاوردهای دفاع مقدس در جنگ تحمیلی که نشان از استقلال فکری و استحکام زیرساخت شخصیتی و اصالت خانوادگی او است.

۳. نکته دیگر این سؤال است که چرا مدیریت سازمان و سیاستگذاران صدا و سیما و جریانی که در این باره تصمیم گرفته است، فیلم را سانسور و صحنه‌هایی را مونتاژ کردند، چرا تنها سخنان افرادی که موجب سرافکندگی و فرومایگی گویندگانش بود، منعکس شد. مطلبی بخش نشد تا مردم بتوانند به دآوری نسبتاً واقع‌گرایانه‌ای برسند.

آیا این اقدام ناپسند و غیر اخلاقی، استفاده ابزاری از سازمان صدا و سیما برای پیاده کردن اهداف جناح خاص و مشوّه و ملکوک نمودن چهره جریان اصلاح طلب و مورد اعتماد مردم که اکثریت آنان فرزندان و یاران امام و نیروهای فداکار انقلاب و وفادار به ارزشهای اسلام و انقلاب هستند، نمی‌باشد؟

۴. سرانجام انگیزه نمایش فیلم یادشده چه بوده است؟ آیا اطلاع‌رسانی به مردم است؟ که

قطعاً چنین نیست، چرا که صدا و سیما بسیاری از اطلاعات ضروری را به مردم منتقل نمی‌کند، طوری که مردم مجبورند از طریق روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر مطلع شوند.

با توجه به حوادث و مسائلی که در یکی دو ماه اخیر و بویژه در محرم سال جاری به وقوع پیوسته است، این تحلیل تقویت می‌شود که جناحی که در سالهای گذشته اعتبار و اعتماد مردم را از دست داده است، اولاً، سعی دارد به دروغ تنها خود را طرفدار اصول و ارزشهای انقلاب و رهبری معرفی نماید و رقبای خویش را نقطه مقابل قلمداد نماید، در حالی که گذشته آنان بخصوص دوران امام بعکس بوده است. ثانیاً، بر آن است تا با نمایش چهره غیر واقعی از اصلاحات دولت و اهداف اصلاح طلبان به مقابله با آن بپردازد لذا مطرح می‌کنند که اصلاح طلبان خواهان جدایی دین از سیاست، بی‌بند و باری اخلاقی، شرابخواری، سکس و روابط نامشروع دختر و پسر و... هستند. ثالثاً، با ترویج و ترغیب نیروهای بسیج و سپاه به ایجاد برخوردهای فیزیکی و تئوریزه کردن خشونت تا سرحد خونریزی و کشتار مردم و افراد مؤثر نظام و انقلاب لوازم اجرایی اهداف خود را فراهم نمایند. رابعاً، با دعوت از افراد روحانی مروج خشونت امثال آقای مصباح یزدی به پایگاههای بسیج و سپاه در استانها و شهرهای مختلف، به تبلیغات یکسویه علیه دولت و جریان مورد علاقه و حمایت مردم و تحریک جوانان و نیروهای بسیج و... به برخورد تند و خشن بپردازد و نهایتاً در ادامه روند شتابان ترویج خشونت، مردم در کمال تعجب شاهد انتشار بیانیه‌ای به نام سپاه پاسداران از صدا و سیما بودند که حکایت از شکل‌گیری یک جریان خطرناک پشت پرده دارد و مکمل این سلسله به هم پیوسته، پخش فیلم برلین بود. به هر حال با عنایت به مطالب فوق و تحلیل حوادث، اکنون پیش‌بینی سرکوب جریان دوم خرداد، تعطیلی بسیاری از مطبوعات، حذف فیزیکی چهره‌های انقلاب و مورد علاقه مردم، محاصره مجلس شورای اسلامی و دولت بر خنجر زبانهاست.

سید علی اکبر محشمی پور

آقایان هاشمی و دو پرسش اساسی^۱

آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم نماز جمعه این هفته تهران به طرح مطالب غیر صحیح و ناصوابی پرداخت که موجب یأس و گریز بسیاری از نیروهای متعهد انقلاب و علاقه‌مندان به نظام جمهوری اسلامی گردید. ایشان ضمن تشبیه جریان شکست حمله آمریکا در طبری به جریان کنفرانس برلین، از پخش فیلم مونتاز شده و گزینشی این کنفرانس، پیروزمندانه

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۱.

حمایت کرده و جملاتی را به کار برد که موجب شگفتی همگان از جمله متدینین جناح راست شد.

شگفت‌انگیز است که یک چهره روحانی با آن سوابق، در جایگاه مقدس نماز جمعه که در هفته‌های پیش مباحث اخلاقی را طرح می‌نمود، این‌گونه با چرخشی فاحش از نمایش صحنه‌های ضد اخلاقی و منافی عفت عمومی (رقص زن نیمه‌عریان) از سیمای جمهوری اسلامی جانبداری کرد و پا را فراتر گذاشته و اقشار و طبقات گوناگون را متهم به دیدن مداوم و هر شب این‌گونه صحنه‌ها کرد.

اگر محاکمه در دادگاه عدلی باشد، قطعاً باید آقای هاشمی برای وارد کردن این اتهام و افترای بزرگ محاکمه شود و پاسخگو باشد.

وی در خطبه دوم چنین اظهار کرد: «خوشبختانه فیلمش را گرفته‌اند. حالا حرفهایی که می‌زنند، خانم برهنه دارد آنجا می‌رقصد، چرا این را نشان دادید؟ اینها حرف است! هر شب شما دارید از این فیلمها را می‌بینید، کسی غصه این چیزها را نمی‌خورد، لااقل شماها نمی‌خورید!! حالا اگر دیگران غصه می‌خورند، آنها روی این یکی حرفی ندارند و حاضرند لخت‌ترش هم دیده شود؛ حقایق باید روشن شود.»

با توجه به چنین سخنانی، آقای هاشمی پاسخ دهد:

۱. مخاطب شما از این که «هر شب شما دارید از این فیلمها را می‌بینید»، کیست؟
۲. منظور شما از «اگر دیگران غصه می‌خورند، آنها روی این یکی حرفی ندارند و حاضرند لخت‌ترش هم دیده شود»، کیانند؟ آیا علما و مراجع و متدینین و مبارزین برخلاف باور قلبی ما، با نمایش رقص زنان لخت و برهنه موافقت؟ علما و اقشار متدین و عامه مردم شما را مؤاخذه خواهند کرد.

و اما اشکال دیگری که پاسخگویی به آن بر عهده آقای هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه است، مسأله توقیف مطبوعات به‌بهانه جلوگیری از وقوع جرم است و آن این که روز پنجشنبه هشتم اردیبهشت ماه جاری، دادگستری کل استان تهران درباره علل توقیف و تعطیلی ۱۳ نشریه و روزنامه اطلاعاتی مفصلی صادر کرد و شبکه‌های مختلف صدا و سیما با آب و تاب در بخشهای خبری خود این اطلاعات را پخش کردند. از جمله موارد استنادی دستگاه قضایی برای تعطیلی روزنامه‌های مذکور ماده ۶ قانون مطبوعات است که قانونگذار از اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی منع کرده است و اتفاقاً به جهت درج عکس یک خانم بی‌حجاب خارجی در یکی از نشریات، با استناد به همین ماده قانونی آن نشریه تعطیل شد.

آنچه موجب نشویش اذهان عمومی شده و سؤال برانگیز است، برخورد دوگانه‌ای است که صورت گرفته است. برای درج یک تصویر به عنوان مغایرت با عفت عمومی نشریه‌ای تعطیل می‌شود، در حالی که سیمای جمهوری اسلامی صحنه‌هایی مشابه را مرتباً به نمایش می‌گذارد که باید حکم واحدی داشته باشد. علاوه بر آن و مهمتر از آن کنفرانس برلین است که به نمایش گذاشته شده است، اما قوه قضائیه هیچ‌گونه اقدامی نکرده است. قوه قضائیه چه پاسخی دارد که سیمای مرتکب جرم مشهود و خلاف عفت عمومی شده است، اما این دستگاه نظاره‌گر است و در همین حال تعداد زیادی از مطبوعات را قبل از وقوع یا ثبوت جرم و قبل از تشکیل دادگاه قانونی، تحت عنوان جلوگیری از وقوع جرم تعطیل می‌کنند.

اگر استناد شما قانون تأمینی و تربیتی زمان شاه است — که هیچ‌گاه در دوران رژیم پهلوی نیز اجرا نشده — باید تمام دستگاههایی که احتمال وقوع جرم در آن می‌رود، تعطیل شود. اولین دستگاه، خود دادگستری و محاکم است که به‌وفور احکامش نقض می‌شود. در کلیه دستگاههای دولتی و ارگانهای نظامی، انتظامی، بنیادها و... احتمال وقوع جرم وارد است. در حوزه‌های علمیه، در دانشگاهها، در میان افشار مختلف، کسبه بازار و خیابان، همه و همه احتمال وقوع جرم می‌رود. کدام جامعه و عرف عمومی می‌پذیرد که یک ماده قانونی که ناظر به موضوع خاصی می‌باشد را به‌سایر مواردی که هیچ‌گونه تناسب حکم و موضوع ندارد، تفسیر داد و کشور را تعطیل کرد.

آقای هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه باید به اظهارات امیدبخش گذشته خود درباره توسعه اصلاحات قضایی جامعه عمل بپوشاند و به‌این واقعیت توجه نماید که اگر دستگاه قضایی در معادلات و بازیهای سیاسی و جناحی گرفتار آید، از وظایف و مسؤولیتهای سنگین عدالت قضایی فاصله گرفته و اعتماد عمومی را از دست خواهد داد.

کروبی با صدا و سیما مصاحبه تکرده است^۱

مجمع روحانیون مبارز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: مهدوی کروبی دبیر کل این مجمع، در روزهای اخیر مصاحبه‌ای با سیمای جمهوری اسلامی ایران نداشته است. این اطلاعیه در واکنش به بخش مصاحبه در بخش خبری ساعت ۱۴ دیروز شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران صادر شد که کروبی را در حال گفت‌وگو با خبرنگار این رسانه نشان می‌داد.

روابط عمومی مجمع روحانیون در اطلاعیه‌اش توضیح داده است: آنچه از تلویزیون پخش شده، «انعکاس بخشی از مطالب مطروحه» از سوی دبیر کل مجمع روحانیون در

۱. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲.

مصاحبه تلفنی وی با ایرنا بوده است که سیما با حذف قسمتهایی از آن تصویر یکی از مصاحبه‌های قبلی آقای کروبی را به نمایش گذاشته است.

این اطلاعیه با بیان این نکته که بخش این مصاحبه از سوی سیما موجب طرح سؤال «برای عده زیادی از بینندگان» شده، می‌افزاید: «به دنبال درخواستهای مکرر خبرگزاری جمهوری اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی روز یکشنبه در مصاحبه تلفنی مفصل با آن خبرگزاری، مطالب گوناگونی در زمینه‌های مختلف و از جمله در خصوص پاسداری از ارزشهای مشروع، تکرر و تنوع مطبوعات و همچنین حفظ اصول و ارزشهای مورد احترام جامعه و حمایت از مقام معظم رهبری بیان کردند که هر یک از جراید روز دوشنبه براساس سلیقه و برداشت خود از متن مخابره‌شده توسط خبرگزاری، بخشهایی را منتشر کرده‌اند.»

مجمع روحانیون مبارز در همین راستا از تمامی رسانه‌ها درخواست کرده است: «در انعکاس اخبار و وقایع، رعایت امانت را بنمایند.»

در این اطلاعیه خاطرنشان شده است: «با حاکمیت کامل روشهای اخلاقی و پسندیده اطلاع‌رسانی و جلب اعتماد هر چه بیشتر مردم و گروههای سیاسی نسبت به رسانه‌های داخلی، فضای آرام، بانشاط و شفاف بر جامعه حاکم خواهد شد.»

کیهان دروغ نوشته است، من نگفتم ام گنجی مزخرف گفته است^۱

مجید انصاری

در پی درج مطلبی به نقل از حجت‌الاسلام مجید انصاری، نماینده مردم تهران در مجلس در مورد سخنان اکبر گنجی در کیهان روز گذشته، وی به نحوه انتشار مطالب اعتراض کرده و آنرا کذب خواند.

حجت‌الاسلام انصاری در گفت‌وگو با خبرنگار صبح امروز گفت: روز گذشته خبرنگار کیهان با من تماس گرفت و خواست نظر خودم را در رابطه با سخنان اکبر گنجی که در یک نشریه خارجی چاپ شده اعلام کنم، من در اعتراض به چاپ چنین مطلبی به ایشان گفتم: با توجه به این که من اصل این مطلب را ندیده‌ام، حتی اگر حرف ناصحیح و یا مزخرفی در یک نشریه خارجی که ممکن است هیچ خواننده ایرانی آنرا نخواند، چاپ شود، چرا کیهان آنرا در صفحه اول چاپ می‌کند؟

من تأکید کردم، چاپ چنین مطالبی از سوی کیهان در صفحه اول، اشاعه منکر، خلاف شرع و غیر قانونی است.

خبرنگار کیهان در صدد توجیه برآمد و من در ادامه سخنان او گفتم: به هر حال این کار غیر اخلاقی و ناصحیح است و بعد تلفن را قطع کردم. ضمن آنکه پس از این صحبت در روزنامه صبح امروز خواندم که آقای گنجی هم این مطالب را تکذیب کرده و به آن نشریه آلمانی اعتراض کرده است.

صحبت من انتقاد به کیهان بود، متأسفانه این روزنامه در شیوه روزنامه‌نگاری خود امانت را حفظ نمی‌کند. اگر به من گفته بودند قصد مصاحبه دارند و می‌خواهند این مطالب را چاپ کنند، من آنچه را لازم بود، می‌گفتم.

امیدوارم کیهان و روزنامه‌های دیگر امانتداری را در نقل مطالب حفظ کنند تا اعتماد مردم جلب شود.

البته مطالبی که از قول آقای گنجی در کیهان چاپ شده بود، انصافاً بسیار مزخرف و توهین آشکار به امام و انقلاب اسلامی و میلیون‌ها مسلمان در ایران و سراسر جهان بود که خوشبختانه به شدت از سوی آقای گنجی تکذیب شده است.

لازم به توضیح است روزنامه کیهان در شماره روز گذشته خود به نقل از مجید انصاری نوشته بود: «حرفهای گنجی، مزخرف و توهین آشکار به حضرت امام (ره) است و انتشار آن درست نیست.»

شرکت کنندگان در کنفرانس برلین بزرگترین ضربه را به جبهه دوم خرداد وارد کردند^۱ حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری که در جمع جوانان بوشهر در مجتمع فرهنگی هنری سخن می‌گفت تأکید کرد: این افراد بزرگترین ضربه را به جبهه عمومی دوم خرداد وارد کردند. نفس شرکت در این کنفرانس که متولی آن حزب سبز آلمان که گرایش صهیونیستی دارد، صحیح نبود. در این رابطه کار صدا و سیما را هم به خاطر پخش گزیده‌ای از این کنفرانس نمی‌پسندم. صدا و سیما حتی سخنان مرا درباره کنفرانس ناقص پخش کرد و این کار درستی نبود.

چرا خبر جلسه دیدار لاریجانی و نیک براون از صدا و سیما پخش نشد^۲

مجید انصاری روز گذشته در واکنش به پخش فیلم کنفرانس برلین به خبرنگاران گفت: از آغاز

۱. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۱۰، ص ۱۴.

۲. آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

انقلاب تاکنون صدها بار جلسات مشابهی از سوی ضد انقلاب خارج تشکیل و افرادی از داخل هم به انگیزه‌های مختلف در آن شرکت کرده بودند، اما هیچ‌گاه از صدا و سیما خبر جلسات پخش نشد؛ چرا حتی خبر مذاکرات یکی از نمایندگان (لاریجانی) قبل از انتخابات ریاست جمهوری با نیک براون در انگلیس پخش نشد؟

برای مطالعه بیشتر

حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا: مسؤولیت سخنان افراد شرکت‌کننده در کنفرانس برلین با خودشان است. این افراد ارتباطی با دولت و نظام ندارند.^۱
مخالفین اصلاحات آشوب و تشنج می‌خواهند.^۲
خبر پخش قسمت دوم فیلم کنفرانس برلین در شرایط فعلی نشان‌دهنده فعال بودن ستاد بحران است.^۳
شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین با وزارت امور خارجه مشورت کرده بودند.^۴
حجت‌الاسلام موسوی درچه‌ای: نظیر ماجرای کنفرانس برلین در جلسه سخنرانی آقای جنتی هم رخ داده است.^۵

جبهه مشارکت ایران اسلامی

بیانیه جبهه مشارکت ایران اسلامی در مورد برنامه تحریک‌آمیز صدا و سیما^۶

جبهه مشارکت ایران اسلامی با صدور بیانیه‌ای توجه عموم علمای اعلام، روشنفکران متعهد، احزاب و گروه‌های سیاسی و مردم متدین و انقلابی ایران را به ضرورت هوشیاری و تلاش همه‌جانبه برای حفظ آرامش همگانی و مقابله با توطئه‌ها و تشنج‌آفرینیهای محافل مافیایی قدرت فراخواند. در این بیانیه آمده است:

اقدام تحریک‌آمیز و جهت‌دار صدا و سیمای جمهوری اسلامی در پخش برنامه‌ای موهن، حلقه جدیدی در بهره‌برداریهای جناحی از رسانه‌ای ملی و تلاش برای تشنج‌آفرینی در جامعه و سازمان دادن سلسله تحریکاتی است که می‌کوشد جامعه را به سوی آشوب و تفرقه بکشانند. در شرایطی که رهبری انقلاب همه مردم و نیروهای سیاسی را به وحدت و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و رفتارهای غیر قانونی فرامی‌خوانند و حفظ امنیت ملی و پاسداری از پیروزیهای مردم و اصلاحات برآمده از اراده و خواست اسلامی و انقلابی در اقتدار ملی

۱. ابرار، ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۲.

۳. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۲.

۵. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۷، ص ۱.

۲. همشهری، ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۲.

۴. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۲، ص ۱۳.

۶. مشارکت، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۲.

مورد تأکید تمامی مسئولان و دلسوزان نظام قرار دارد. بهره‌برداریه‌ای جناحی از رسانه ملی به همان سبک و سیاقی که در گذشته با تهیه فیلم «عصر عاشورا» و «چراغ» تجلی یافته بود، درخور توجه و تأمل فراوان است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی این اقدام را در مجموعه تحریکات وحدت‌شکنانه برای جلوگیری از تشکیل مجلس شورای اسلامی، مقابله با دولت جناب آقای خاتمی و رویارو قرار دادن گروه‌ها و گرایشهای سیاسی و زیر سؤال بردن اصلاحات مورد نظر جبهه دوم خرداد، ارزیابی می‌کند.

واکنشهای تحریک‌آمیز رئیس صدا و سیما و برخی مطبوعات و محافل در سوء استفاده از حضور کسانی که با اقدامی شخصی در برنامه‌ای خارجی شرکت کرده بودند و طبعاً خود پاسخگوی آن می‌باشند، حاکی از سازمان‌یافتگی و در عین حال شتابزدگی مخالفان لجوج دولت است. آنان در مقابله با خواستهای بحق مردم و حاکمیت قانون و استقرار نهادهای قانونی هیچ مصلحتی را بالاتر از منافع محدود گروهی خود به رسمیت نمی‌شناسند و برای تأمین آن حتی حاضر به شکستن حریمها و حرمتها، جریحه دار نمودن احساسات مردم عزادار کشور در ماه محرم، ترویج و تبلیغ خواستهای معاندان و مخالفان نظام و پرده‌پوشی حقایق می‌شوند. این اقدام مدیریت صدا و سیما، نشانه‌ای از این قبیل تلاشهای فتنه‌انگیز و مغایر با وحدت و امنیت ملی است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی مسئولیت هرگونه عواقب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این اقدام موهن را متوجه مدیریت صدا و سیما دانسته و از همه نهادهای قانونی می‌خواهد منشأ و آثار امنیتی آن را بجدّ مورد پیگیری و تعقیب قرار دهند.

وجود پایگاه دشمن در داخل محتمل است^۱

به گفته دبیر کمیته سیاسی جبهه مشارکت، کنفرانس برلین و اتفاقاتی که در این کنفرانس افتاده است، در جهت تخریب جبهه دوم خرداد و در رأس آن رئیس جمهوری صورت گرفته است. محمدرضا خاتمی که در جمع دانشجویان دانشگاه تبریز سخن می‌گفت ضمن تأکید بر مخالفت خود با کنفرانس برلین تصریح کرد: ما اصولاً با مصاحبه و گفت‌وگو با رادیوهای بیگانه فارسی‌زبان دیگر کشورها مخالف هستیم.

وی وجود پایگاه دشمن خارجی در کشور را محتمل دانست و افزود: نفوذ دشمن

۱. کیهان، ۱۳/۲/۱۳۷۹، ص ۳.

خارجی در کشور چندان بعید به نظر نمی‌رسد و باید سطح آگاهیهای مردم را بالا برد و در جهت خنثی ساختن نفوذ دشمن، پشتیبانی عمومی را طلب کرد؛ زیرا در غیر این صورت دشمنان از شکافهای به وجود آمده نهایت استفاده را خواهند کرد.

هدف سیمای، جبهه دوم خرداد و رئیس جمهور بود^۱

بخش فیلم مونتاز شده کنفرانس برلین از سیمای، شخصیت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و مذهبی را به واکنشهای متفاوتی واداشت که در روزهای گذشته از سوی مطبوعات کشور منتشر شد. آنچه در پی می‌آید، دیدگاههای برخی از اعضای جبهه مشارکت اسلامی است.

عباس عبدی: کامل نشان بدهند

آشوب طلبان و مخالفانی که در کنفرانس برلین حضور یافته بودند، با مخالفان افراطی در داخل کشور تشابهات زیادی دارند و هر دو گروه از یک شکل و شمایل پیروی می‌کنند. عباس عبدی ضمن اعلام این مطلب با غیر اخلاقی خواندن فیلم بخش شده از سیمای، گفت: در این کنفرانس صحنه‌های مختلف با هم مونتاز شده تا یک مفهوم خاصی را القا کنند. حالا که آنها می‌توانند چنین فیلمی را نشان بدهند، کامل نشان بدهند تا همه مردم بدانند آنجا چه گذشته است.

نعمی پور: هدف تخریب است

به اعتقاد من بخش این برنامه با انگیزه تخریب چهره دوم خرداد و منسوبین به ریاست جمهوری صورت گرفت. این عمل هم به لحاظ سیاسی کار بحث برانگیز و غیر متعارفی است و هم به لحاظ بخش برخی صحنه‌های زننده که خلاف موازین شرعی و اخلاقی است. کسانی که ادعای دلسوزی برای نظام و کشور را دارند، نباید به خودشان حق بدهند برای اهداف سیاسی و کسب قدرت بیشتر از هر وسیله‌ای استفاده کنند. این گونه اعمال در جهت بی‌اعتمادی میان ملت، دولت و حکومت انجام می‌شود.

علی شکوری‌راد: صورت مسأله را ساده کنیم

اگر صورت مسأله را ساده کنیم بهتر می‌شود به نتیجه رسید. حزب سبز آلمان سمیناری برگزار کرده و از عده‌ای ایرانی برای شرکت در آنجا دعوت کرده است.

۱. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳.

علی شکوری‌راد ضمن اعلام این مطلب با اشاره به این‌که برخی از ایرانیان مخالفی که به کنفرانس رفته بودند از ابتدا اعلام کرده بودند نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران انتقاداتی دارند، برخی سکولار بوده و عده‌ای نیز اپوزیسیونی هستند که هیچ مسؤولیتی در نظام ندارند، گفت: «کسانی که خودشان را منتقد نظام می‌دانند، در داخل کشور هم همین حرف‌ها را می‌زنند و اشکالی ندارد که آنها نظراتشان را اعلام کنند.»

برخی از این افراد نامزد نمایندگی مجلس بودند و صلاحیتشان رد شده است. این نظری بوده که نظام به آنها داشته و آنها هم نظرشان را اعلام کرده‌اند.

وی با اشاره به این‌که مجموع نظرات روزنامه‌نگاران شرکت‌کننده در کنفرانس مفید بوده است اظهار داشت: متأسفانه سیما با گزینش برخی صحبت‌ها قصد ارائه یک چهره منفی از آنها داشته و ضمن این‌که با مخلوط کردن نظرات این افراد با اظهارات سایرین که در داخل کشور اپوزیسیون نظام هستند، خواسته بگوید مجموعه آنها یک نظر واحد داشته‌اند. در حالی که این طور نبوده است. البته شاید ما به نکاتی انتقاد هم داشته باشیم ولی این دلیل نمی‌شود که بنده یا هر کس دیگری فکر کند گنجی باید درست نظرات ما را ارائه بدهد. عریان شدن و رقصیدن برخی افراد نیز هیچ ربطی به سخنران جلسه ندارد.

میشم سعیدی: ارزشها فدای مسائل جناحی!

اگر قرار است مسائلی از این قبیل پیگیری و همه چیز شفاف شود، صدا و سیما از این پس باید همه موارد را به اطلاع مردم برساند.

صدا و سیما طی سالهای گذشته از کف و سوت زدن در مراسم دوم خرداد برمی‌آشفست افزود: این بار سیما با نمایش رقص دقیقاً در تضاد با آن چیزی که قبلاً انجام می‌دادند، حرکت کرد و نشان می‌دهد که اینها برای مسائل جناحی خود حاضرند از ارزشها هم هزینه کنند. صدا و سیما اگر بخواهد تبدیل به رسانه یک گروه شود، آرامش جامعه را به بحران بدل خواهد کرد.

نیروهای ملی-مذهبی

دادگاه باید به شکایت افراد شرکت‌کننده در کنفرانس برلین رسیدگی کند^۱

محمد بسته‌نگار

محمد بسته‌نگار از فعالان ملی-مذهبی در مورد جو‌سازیهایی گسترده علیه اصلاح‌طلبان در

۱. گزارش روز، ۷۹/۲/۳، ص ۳.

چند روز اخیر نظیر پخش گزینش شده کنفرانس برلین از تلویزیون و تعطیلی بازار اظهار داشت: به نظر من این عملی که از طرف مخالفین نسبت به اصلاح طلبان صورت گرفت، یکی از ناجوانمردانه ترین اعمالی است که تاکنون صورت گرفته است. از مجموع ۱۶ ساعت از کنفرانس نیم ساعت آن گزینش و پخش شده، یعنی تمام سخنرانیهای آنها جهت قضاوت درست افکار عمومی پخش نشده است. به گفته بعضی از شرکت کنندگان موقعی که مخالفین شروع به فحاشی و اعمال زشت کرده اند، آنها جلسه را ترک کرده اند، متنها نحوه نمایش از تلویزیون، نشستن آنها را در تمام جلسه تداعی می کرد و این از زشت ترین کارها جهت بدنام کردن مخالفان است. متأسفانه می بینیم که به جای نشان دادن چهره واقعی مخالفینی که در خارج علیه نیروهای اصلاح طلب، نظام و قانون اساسی شعار می دادند، گروه مخالف اصلاحات در داخل و خارج با هم همدستان می شوند. اکثر کسانی که در خارج از کشور حضور دارند، اظهار تمایل کرده اند به ایران برگردند و اصلاح طلبان را قبول دارند.

هر وقت مسأله اصلاحات در جامعه مطرح شده، اقلیتی مخالف اصلاحات وجود داشته که در مقابل اصلاح طلبان موضع می گرفتند. در زمان مرحوم دکتر مصدق گروهی هماهنگ با استعمار خارجی علیه نیروهای ملی و دکتر مصدق وارد عمل شدند. اوایل انقلاب نیز همین موضوع را می بینیم. با این که افکار و اندیشه نیروهای برانداز خارجی در بین ملت جایی ندارد، می خواهند خودشان را بر جامعه ما تحمیل کنند که این امر امکان پذیر نیست. متأسفانه در داخل نیز قسمتی از جناح انحصار، با این که ملت در انتخابات گذشته به آنها نه گفته، منافع خودش را در خطر می بیند و حاضر نیست از قدرت پایین بیاید و به این جوسازیها دامن می زند و می خواهد اوضاع را به نفع خودشان بگرداند. و به نظر من ملت ایران هوشیارتر از آن است که در دام آنها بیفتد. همان رویه ای که جناح انحصار در مناطق مختلف در سالگردها و سخنرانیها دنبال می کند و به کتابفروشیها و نشریات حمله می کند، عملاً همان را ایوزیسیون خارج نشین تکرار می کند. اغلب بازارها را تهدید کرده اند، چون در بازار شورایی وجود دارد که در دست جناح راست است و تصمیمات خود را گرفته و اعلام می کند.

وی در مورد احضار شرکت کنندگان در کنفرانس برلین به دادگاه انقلاب گفت: دادگاه باید به شکایت افراد شرکت کننده در کنفرانس که مورد اهانت قرار گرفته اند، رسیدگی کند. چون اینها با دیدن حرکات مخالف فرهنگ ایرانی جلسه را ترک کرده و گفته اند تا زمانی که آن گونه حرکات باشد، حاضر به شرکت در جلسه نیستند. متأسفانه قضیه درست برعکس شده و خود آنها را به عنوان متهم خواسته اند. حداقل انصاف ایجاب می کند که دادگاه انقلاب فیلم ۱۶ ساعته کنفرانس را نگاه کند و بعد تصمیم بگیرد.

جمعیت مؤتلفه اسلامی

واکنش رئیس جمهور در مورد کنفرانس برلین قانع کننده نبود^۱

حبیب‌الله عسکراولادی

حبیب‌الله عسکراولادی، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی در پایان نشست شورای مرکزی این جمعیت با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع جوانان و اشاره معظم‌له به حضور پایگاههای دشمن در برخی مطبوعات گفت: مدتهاست دلسوزان جامعه، آگاهان حوزه‌ها و دانشگاهها از باب خیرخواهی و نیز حفظ شبکه اطلاع‌رسانی از آلودگی خبرهای مبتنی بر دروغ و تشویش اذهان تذکر داده‌اند، اما متأسفانه نه وزارت ارشاد به‌این خیرخواهی توجه کرده و قوه قضائیه هم آن‌چنان‌که شایسته است عمل نکرده؛ لذا مردم انتظار دارند قوه قضائیه با قدرت قانون به حضور دشمن در برخی مطبوعات خاتمه دهد.

وی با اشاره به کار صحیح صدا و سیما در اطلاع‌رسانی از کنفرانس برلین گفت: برخی نویسندگان در معدودی از مطبوعات عوض این‌که موضع خود را نسبت به‌این فاجعه فرهنگی و سیاسی روشن کنند مسأله را به‌این صورت نوشتند که چه کسانی موافق بخش این کنفرانس از سیما و چه کسانی مخالف بودند و چرا. در صورتی که مسأله این نبود. چرا عده‌ای با ادعای نمایندگانی از جریان اصلاح طلبی رفته‌اند به مجموعه ضد انقلاب پیوسته و اعلام همبستگی کرده‌اند؟ مسأله این است که چرا آنها مسأله اصلاح طلبی را سرنگونی نظام و تغییر قانون اساسی معنی کرده و می‌کنند؟ مسأله این است که چرا رفتند در بالای سن، نمایشنامه‌ای که صهیونیستها نوشته‌اند و دانسته یا ندانسته در برابر ضد انقلاب تعظیم کرده‌اند؟

آقایان نباید این نتگ را بپذیرند که عده‌ای طرفدار جدایی دین از سیاست به صفوف دوم خرداد وارد شوند و از همه مهمتر ادعای رهبری جناح دوم خرداد را در مجامع جهانی داشته باشند.

وی در پاسخ به‌این سؤال واکنش سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد سخنان رهبری در مورد مطبوعات اعلام نگرانی شدید بود، شما چه نظری دارید، گفت: واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا و اعلام حمایت صریح از برخی مطبوعات سند صحت فرموده‌های رهبری است که بعضی مطبوعات پایگاه دشمن شده‌اند.

وی در پاسخ به‌این سؤال که واکنش رئیس جمهور را در حمله به صدا و سیما چگونه تحلیل می‌کنید، گفت: واکنش رئیس دفتر رئیس جمهور طوری بود که گویی همه حمله به صدا و سیما را ایشان رهبری می‌کند.

راهپیمایی و تجمعات روزهای پنجشنبه و جمعه در سراسر کشور نشان داد مردم هوشیارتر از آن هستند که برخی می‌پندارند.

آقای عسکراولادی در پاسخ به یک سؤال دیگر در مورد واکنش رئیس جمهور در خصوص کنفرانس برلین گفت: واکنش رئیس جمهور محترم در مورد ارزیابی کنفرانس برلین متدینین را قانع نمی‌کند.

رئیس جمهور محترم از حمله به انقلاب و ارزشها و اساس دیانت در کنفرانس برلین آگاه هستند و خود ایشان از این واقعیت در واکنش خود به عنوان حرفهای بد و نامناسب یاد کردند، اما توضیح ندادند «بد» چیست و «نامناسب» کدام است.

اگر رئیس جمهور چشم خود را به واقعیتهای این کنفرانس و نیز اهانتهایی که به مقدسات و امام بزرگوار و نیز ارزشهای اسلامی از برخی مطبوعات داخلی ببندند، مفهوم این چشمپوشی آن نیست که تعرضها به اسلام و انقلاب وجود نداشته است.

همچنین آقای عسکراولادی در ارتباط با واکنش وزارت ارشاد نسبت به برخی از مطبوعات که متهم هستند اکنون پایگاه دشمن شده‌اند، گفت: تأسف دارد از این که وزیر فرهنگ و ارشاد در برابر انکار یک واقعیت مسلم اصرار و مقاومت می‌کند وقتی هم با مخالفت مردم روبرو می‌شود، تهدید می‌کند و همراهی با مطبوعات خاطی را به ماندن در پست وزارت و عمل به وظیفه قانونی ترجیح می‌دهد.

اهانت اکبر گنجی به امام قابل تحمل نیست قانون باید در مورد او تصمیم بگیرد^۱

حمیدرضا ترقی

اهانت اکبر گنجی به امام قابل تحمل نیست قانون باید در مورد او تصمیم بگیرد. وی با اشاره به توضیحات اکبر گنجی در تکذیب خبر کیهان در روزنامه صبح امروز گفت: توضیحات ضد و نقیض وی نشان می‌دهد که وی چنین اهانتی را کرده است.

اکبر گنجی در روزنامه صبح امروز تصریح کرد: «متفکری که به همه دوران تعلق داشته باشد و با آثارش بتواند به مشکلات و پرسشهای تمام زمانها پاسخ گوید، وجود ندارد. کسی که چنین حرفی زده است قطعاً آن جمله‌ای که روزنامه تاگس اشپگل در اهانت به امام درج کرده را نیز گفته است. این نشان می‌دهد که او حتی برای تفکر ائمه اطهار و پیامبر اکرم (ص) هم این ارزش را قائل نیست که آثار فکری آنان پاسخگوی پرسشهای همه زمانها باشد، چه برسند به امام خمینی (ره)!!»